



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

تاریخ: ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

موضوع جزئی: سیر اجمالی شکل‌گیری تفسیر - مکتب مدینه، مکه، عراق.

مصادف با: ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۳۴

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

عرض شد در ابتدای امر هنوز روش‌های تفسیری تفکیک نشده و گرایش‌های تفسیری خود را نشان نداده بود، در زمان تابعین و پس از آن که تفسیر، جلوه خاصی پیدا کرد به اعتبار مراکزی که مفسرین و اهل تفسیر در آن اجتماع کردند سه مکتب تفسیری شکل گرفت که عبارت بودند از: مکتب مکه، مکتب مدینه و مکتب عراق. در این سه مکتب افرادی به عنوان افراد شاخص حضور داشتند، اساس شکل‌گیری این مکتب‌ها در واقع اجتماع کسانی بودند که پیرامون قرآن کار می‌کردند و به امر قرائت، کتابت و تفسیر قرآن اهتمام داشتند.

مکتب مکه

ابن عباس در رأس مکتب مکه بود که بیشتر بر خود روایاتی که از پیامبر (ص) وارد شده بود و همچنین آیات قرآن و در حد کمی هم به اجتهاد خودش تأکید می‌کرد، افراد شاخص این مکتب که عمدتاً از شاگردان ابن عباس هستند عبارتند از: ۱- سعید بن جبیر که به اذعان شیعه و سنی از اعلم مفسرین قرآن محسوب شده است.

۲- مجاهد بن حبر (متوفی ۵۱۰۴ ق)، او هم از شاگردان ابن عباس است و بر خلاف سعید بن جبیر که به شدت از تفسیر به رأی اجتناب می‌کرد تا حدودی برای اجتهاد و تعقل اهمیت بیشتری قائل بود، یعنی آیات را به گونه‌ای تفسیر می‌کرد که با ظواهر الفاظ قرآن چندان سازگار نبود و ادعا شده که تفسیر او مبنای روش معتزلی به حساب آمده لذا شهرت پیدا کرده که اهل تفسیر به رأی بوده است، بعداً اشاره خواهیم کرد که به طور کلی این اشتها در آن فضا به خاطر مقابله‌ای که اشخاص معمولاً با هم داشتند نمی‌تواند مبنای قضاوت باشد. به عنوان نمونه مرحوم طبرسی در مورد آیه شریفه: «فقلنا لهم کونوا قردةً خاسئین»^۱ از مجاهد بن حبر نقل می‌کند که می‌گوید این یک بیان تمثیلی است، یعنی قلب آنها مسخ شد نه اینکه خودشان مسخ و به بوزینه تبدیل شده باشند.^۲

۳- عکرمه (متوفی ۵۱۰۵ ق)، این شخص غلام ابن عباس بوده ولی ابن عباس او را تربیت کرده و به یکی از افراد شاخص در تفسیر قرآن تبدیل شده، مرحوم محدث قمی در سفینة البحار از قول علامه حلی نقل می‌کند که عکرمه شیعه

۱. بقره/۶۵.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ۱۲۹؛ جامع البیان، ج ۱، ص ۲۶۳.

نبوده و متهم به تفسیر به رأی هم بوده است^۱، ذهبی درباره عکرمه می‌گوید: او متهم به تفسیر به رأی بوده و از خوارج محسوب می‌شده است.^۲

۴- عطاء بن رباح (متوفی ۱۱۴ه.ق.)، او هم از شاگردان ابن عباس بوده ولی بر خلاف مجاهد یا عکرمه بیشتر بر سنت تأکید می‌کرد تا اینکه بر عقل تکیه کند.

پس با اینکه افرادی که در مکتب مکه هستند همه از شاگردان ابن عباس محسوب می‌شوند اما هر دو روش تفسیر نقلی و عقلی در بین آنها مشاهده می‌شود، بعضی از آنها برای تفسیر قرآن بیشتر از روش نقلی و بعضی دیگر بیشتر از روش عقلی و اجتهادی استفاده می‌کنند که ما بعداً خواهیم گفت که در هر یک از این دو روش هم جنبه افراط وجود داشته و هم جنبه تفریط.

مکتب مدینه

مدینه هم از مراکز مهم تفسیر است که در عصر تابعین شکل گرفت، ویژگی مدینه نسبت به مکه و عراق، حضور ائمه معصومین (ع) در آن شهر است، یعنی حدوداً از سال ۵۰ تا سال ۲۶۰ هجری قمری، در یک دوره ۲۰۰ ساله معصومین (ع) در مدینه حضور داشتند که بعضی از معصومین (ع) تمام عمر خود را در مدینه بودند و بعضی دیگر هم بخشی از عمر خود را در مدینه سپری کردند، قهراً بخشی از تعالیم ائمه (ع)، تعالیم قرآنی و تفسیر آیات بوده که در این زمینه شاگردانی را هم تربیت کرده‌اند، پس ائمه (ع) چه به صورت عمومی و آشکار و چه به صورت فردی و خصوصی ضمن تعلیم معالم و احکام دینی به تعلیم تفسیر قرآن هم مشغول بوده و تفسیر قرآن یکی از محورهای مهم آموزش‌های آنها بوده است. آنان در سطوح مختلف آموزش‌هایی داشته و نسبت به بعضی از خواص به طور ویژه حتی راه و رسم استدلال و استظهار از قرآن را تعلیم می‌دادند، لذا در مدینه افراد زیادی به عنوان مفسر تربیت شدند، اما بعضی از اصحاب خاص ائمه معصومین (ع) مثل محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، ابو حمزه ثمالی، سلیمان بن مهران و غیره وجود دارند که در تقسیم بندی‌ها جزء هیچ یک از مکاتب تفسیری قرار نمی‌گیرند ولی از کسانی هستند که در صدر اهل تفسیر قرار دارند، اما اینها جزء مکتب مدینه محسوب نمی‌شوند.

از مکتب مدینه به غیر ائمه (ع) و اصحاب خاصشان نام چند نفر در کتب تفسیری ذکر شده که عبارتند از:

۱- ابوالعالیه (متوفی ۹۰ه.ق.).

۲- سعید بن مصیب (متوفی ۹۵ه.ق.).

۳- محمد بن کعب (متوفی ۱۱۸ه.ق.).

۴- زید بن اسلم (متوفی ۱۳۶ه.ق.).

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۱۶.
۲. میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۹۳.

در مدینه هم مانند مکه هم روش نقلی و هم روش اجتهادی و عقلی وجود داشت و بعضی از این اشخاص اهل اجتهاد و تعقل بودند و بعضی دیگر بیشتر بر روایات تأکید داشتند.

مکتب عراق

در مکتب عراق که بعد از مکه و مدینه از مراکز مهم تفسیر محسوب می‌شود از کسانی که به عنوان صدر مفسرین محسوب می‌شود ابن مسعود است - به جز امیرالمؤمنین (ع) که پایه‌گذار اسلام و قرآن در کوفه می‌باشد - که از صحابی بوده و وقتی به کوفه رفته به تبلیغ و تفسیر قرآن می‌پردازد و یکی از پایه‌گذاران مکتب تفسیری عراق است. غالب کسانی که در عراق به امر تفسیر و قرائت قرآن مشغول بودند از شاگردان امیرالمؤمنین (ع) یا ابن مسعود هستند، البته مکتب عراق دو بخش است؛ کوفه و بصره که در کوفه یک عده‌ای به عنوان مفسر مطرح شدند و در بصره عده‌ای دیگر، اشخاصی که در کوفه به عنوان مفسر مطرح هستند عبارتند از:

۱- علقمة بن قیس (متوفی ۵۶۱ ق.).

۲- مسروق بن أجدع (متوفی ۵۶۳ ق.).

۳- جابر بن یزید جعفی (متوفی ۵۱۲۸ ق.)، از اصحاب امام سجاد (ع) و امام باقر (ع).

اشخاصی که در بصره به عنوان مفسر مطرح بودند عبارتند از:

۱- حسن بصری (متوفی ۵۱۱۰ ق.).

۲- قتادة (متوفی ۵۱۱۷ ق.).

در عراق هم مثل مکه و مدینه هم روش نقلی وجود داشت و هم روش عقلی و اجتهادی، پس تمایز مکتب مکه، مدینه و عراق فقط به اعتبار منطقه‌ای است که مفسرین در آن منطقه اجتماع کرده‌اند و نمی‌توانیم بگوییم روش تفسیری این مناطق با هم فرق دارد، چون روش تفسیر قرآن در هر سه مکتب و هم روش نقلی بوده و هم روش اجتهادی و عقلی. اما روش تفسیری نقلی و عقلی آفت‌هایی دارند که باید به آنها بپردازیم، مهم‌ترین آفت روش تفسیری نقلی ورود اسرائیلیات به دایره اخبار و روایات است و آفت تفسیر عقلی و اجتهادی هم، تفسیر به رأی است، یعنی از یک طرف افراط در تفسیر نقلی منجر شد اخباری وارد حیطه روایات تفسیری شود که اساساً از اسرائیلیات محسوب می‌شوند، روش تفسیری اجتهادی هم با اینکه فی نفسه مذموم نیست ولی گرفتار تفسیر به رأی شد.

«والحمد لله رب العالمین»